

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

• ادامه کنفرانس افسانه شهادت فاطمه زهرا

• ارائه دهنده: دکتر متین

• الحمد لله رب العالمين وصلى الله وسلم وبارك على عبده ورسوله نبينا محمد
وعلى آله وصحبه أجمعين ،أما بعد

• همونطور که اطلاع دارین ،کنفرانسی که امشب ارائه میدیم ،ادامه کنفرانس افسانه شهادت ﷺ حضرت
فاطمه رضی الله عنها ﷺ هستش ﷺ

• بطوریکه در #قسمت_اولو #قسمت_دوم ثابت کردیم که این شهادت محاله ممکن هستش ﷺ

• در قسمتهای قبلی ،ماجراهای این افسانه رو ،هم از نظر #عقلانی و هم از نظر #قرآنی بررسی کردیم ،که
در هر ۲ جهت ، خلاف عقیده دوستان شیعه بودش ﷺ

«باز هم برای بار سوم در اول مبحثمون یاد آور میشم که: اگه بر فرض محال، اعتقاد دوستان شیعه درست باشه (که بی شک نیست و اشتباهه) ما اهل سنت و جماعت این رو می‌گیم ﷺ ﷺ ﷺ ﷺ ﷺ

لعنت خدا و ملائکه و پیامبر و جمیع امت بر قاتلین سیدة نساء العالمین

عاطمة الزهراء

سناریو
پردازان
دیده، مفتاد

لعنت بر کسانی که حضرت علی
رضی الله عنه
رو بی‌غیرت نشان میدهند

• در قسمتهای قبلی مشاهده کردین که از هر زاویه ای به این سناریو نگاه کنیم، به (ع) بن بست اساسی میرسیم که جای هر گونه فرار روبرای معتقدان به این افسانه، میگیره و هیچ راهی نداره که بشه #عقلانی و #قرآنی، این افسانه رو ثابتش کرد 🚫

• در قسمتهای قبلی ثابت کردیم که: هیچ دری وجود نداشته که طبق افسانه و خیال پردازی های دوستان و نویسندگان این سناریو: **اولا:** بخواد که حضرت عمر رضی الله عنه اونو آتیش بزنه 😊 **ثانیاً:** چوبی باشه 😊 **ثالثاً:** یه میخ ۷۰ سانتی ازش بیرون زده باشه و با فشار حضرت عمر رضی الله عنه به شکم حضرت فاطمه رضی الله عنها فرو بره و بچه شو (محسن) رو سقط کنه 😊 **رابعاً:** پشت در انقدر فشار داده بشه، که میان در و دیوار، له بشن 😊 **خامساً:** حضرت علی رضی الله عنه، حیدر کرار، اسد الله، فاتح خیبر، دلیر دلیران، اشجع الارض، ابوالحسنین، ببینه همسر گرامیش، دردانه پیامبر صلی الله و آله وسلم، بانوی دو عالم، سیده العالمین، أم ابیها، حضرت فاطمه رضی الله عنها، بین در و دیوار، داره له میشه، میخ ۷۰ سانتی به شکمش فرو رفته، سیلی به گوشش میزنن، شلاق به بدن مبارکشان، فریاد "یا ابیها" یا محمدا " سر میده، بچه اش (محسن) بر اثر فرو رفتن میخ آهنیو خوردن شلاق های پیایی، (ع) سقط میشه ولی حضرت علی رضی الله عنه بخاطر مصلحت میشینه و هیچ کاری نمیکنه و میگه: "لا حول و لا قوه الا بالله" 😊😊

« حالا میپردازیم به ادامه ماجرا و از زاویه های دیگر به این افسانه، بنگریم »

• علما و بزرگان اهل سنت و بعضی از هدایت یافتگان اهل تشیع هر کدام به نحوی به این افسانه جوابی داده اند و برای هر عاقلی روشن است که اگر حضرت عمر رضی الله عنه (رضی الله عنه) ضارب حضرت فاطمه بود (رضی الله عنه)، بسیار بعید میبود که آن حضرت علی رضی الله عنه، (رضی الله عنه) نام فرزندش را عمر نهاده (رضی الله عنه) و بگوید: "وسمیت بخیر البریه "یعنی؛" و نامگذاری کردم (فرزندم را) به نام بهترین مردم "

«و غیر ممکن و محال بود که حضرت علی رضی الله عنه، (رضی الله عنه) دختر فاطمه رضی الله عنها (رضی الله عنها) بنام ام کلثوم را به (رضی الله عنه) عقد حضرت عمر (رضی الله عنه) در آورد! یعنی به عقد قاتل همسر خودش (البته به زعم و ادعای دوستان شیعه) و به قول شاعر «صدیقی»: «گر عمر قاتل زهر است، که خاکم به دهانکی علی دختر زهرا دهدش؟ یزدان را»

«غرض از این مقدمه این بود که: مدتی قبل کتابی به اسم (رضی الله عنه) هجوم علی بیت فاطمه (رضی الله عنها) نوشته "عبد الزهراء مهدی" (نویسنده معاصر) را دیدم که در آن سعی شده بود "رحلت" حضرت فاطمه را، به "شهادت" تبدیل کند (رضی الله عنه) با مختصر نگاهی که به آن کتاب انداختم (رضی الله عنه) تناقضات بسیار زیادی را در آن دیدم و به همین دلیل با خود گفتم این "تناقضات" را که اکثراً در همین کتاب موجود است برای دوستان نقل کنم تا شاهد دیگری باشند (رضی الله عنه) دروغ بودن افسانه شهادت (رضی الله عنه)

- چیز جالبی که در این افسانه قابل توجه است آن است که : این تناقضات ، (تناقض بین روایات است) و نه
 آراء علما آن هم اختلافاتی که فقط در مورد آن قسمتی از یک روز است (یعنی فقط چند ساعت)
 ❌❌

● و اما میپردازیم به (تناقضات روایاتی) که دوستان شیعه بعنوان مدرک به آنها استدلال میکنند !!! غرض از این گفتمان : میخام دیگه هیچ دست آویزی باقی نمونه که معتقدان به این افسانه ، بهش چنگ بندازن ❌

● و اما تناقضات :

در روایات افسانه شهادت ، ۴ نفر ضارب حضرت فاطمه معرفی شده اند (۱) (۲) - خالد بن ولید ۲ - مغیره بن شعبه ۳ - حضرت عمر ۴ - غلام حضرت عمر (قنفذ)

- نویسنده مینویسد : فی روایه ضربها المغیره بن شعبه حتی أدماها، أو دفع الباب علی بطنها... و طبرسی میگوید : از امام حسن بن علی علیه السلام روایت شده است که ایشان خطاب به مغیره بن شعبه گفتند : تو کسی هستی که دختر رسول الله را زدی و او را خون آلود کردی و آن چه در شکم ایشان بود سقط شد... اگه این سخن رو بپذیریم ، این اهانتی نسبت به رسول الله و مخالفت امر ایشان هستش ❌ زیرا که ؛ رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرموده بودند : « تو (ای فاطمه) سیده نساء اهل بهشت هستیو اولین کسی هستی که بعد از فوت من ، از اهل بیت من ، به من ملحق میشوی »

• نویسنده در جای دیگر میگوید: وفی عده من الروایات: ضرب عمر بالغلاف علی جنبها یعنی: ﷺ و در بعضی از روایات اومده که ،عمر با غلاف شمشیر بر پهلوی حضرت فاطمه زد

• در جای دیگر اومده که: وفی روایه: ضربها خالد بن الولید ایضاً بغلاف السیف.. وفی روایه: ضغطها خالد بن الولید خلف الباب فصاحت.. ولذا أسند بعض الثقات إسقاط الحمل إلى خالد أيضاً!! یعنی: ﷺ و در روایتی اومده که ،﴿ خالد بن ولید ﴾ با غلاف شمشیر چنین کرد و در روایتی خالد بن ولید حضرت فاطمه را پشت در فشار دادو لذا بعضی از معتمدین ﴿ سقط محسن ﴾ را به خالد نسبت میدهند! ﴿﴾

• در روایتی دیگر اومده که: فأمر عمر قنفاً أن يضربها بسوطه، فضربها بالسوط علی ظهرها وجنبیها إلى أن أنهکها وأثر فی جسمها الشریف!! یعنی که: " قنفذ " غلام حضرت عمر رضی الله عنه ، به دستور ایشان ، حضرت فاطمه رضی الله عنها رومورد ضرب و شتم قرار داده و الخدر...

• در بعضی روایات دیگر اومده که: حضرت علی رضی الله عنه مقاومت میکند و غالب میشود و در بعضی حضرت عمر میترسد و وارد معرکه نمیشود و در بعضی حضرت علی تا آنجا ضعیف است که او را مغلوب کرده و مانند شتر طناب در گردنش میزنند! ﴿عوذ بالله و استغفر الله العظيم ازینافکار پلید که به **سداالله** ، شیر خدا ، فاتح خیبر ، حیدر کرار نسبت میدن و ایشان رو خاکم بر دهان ، فردی ترسو و بیغیرت و ... نشون میدن ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾

• پس تا حالا دیدیم که ،دوستان شیعه ، حتی در (ع) انتخاب قاتل حضرت فاطمه (ع) هم به مشکل خوردن ، و نتونستن (ع) فردی واحد (ع) رو انتخاب کنن بعنوان ؛ قاتل شماره یک (ع) (ع) (ع)

• حالا نگاهی میندازیم به کتاب (ع) سلیم بن قیس (ع) از معتبر ترین کتب شیعه برای اثبات افسانه شهادت

• سلیم بن قیس می نویسد : عمر آتش طلبید و آن را بر در خانه شعله ور ساخت و سپس در را فشار داد و باز کرد و داخل شد! حضرت فامه زهرا رضی الله عنها به طرف حضرت عمر آمد و فریاد زد یا ابتاه ، یا رسول الله!!! عمر شمشیر را در حالی که در غلافش بود بلند کرد و بر پهلوی فاطمه زد... آن حضرت ناله کرد : یا ابتاه! عمر تازیانه را بلند کرد و بر بازوی حضرت فاطمه زد... آن حضرت صدا زد یا رسول الله ، ابوبکر و عمر با بازماندگانت چه بد رفتار می کنند «

• حضرت علی رضی الله عنه ، ناگهان از جا برخاست و گریبان عمر را گرفت و او را به شدت کشید و بر زمین زد و بر بینی و گردنش کوبید و خواست او را بکشد !!!

• (ع) علامه طبرسی (ع) که یکی از بزرگترین و معتمد ترین علمای تشیع میباشد ، در (ع) کتاب احتجاج

(ع) ، ضمن روایتی مدعی میشود که : عمر رضی الله عنه ، از حضرت علی رضی الله عنه میترسید و

وارد معرکه نشد!!! (ع) (ع)

● **طبرسی در ادامه مینویسد:** «عمر به عده‌ای از اطرافیان‌ش دستور داد تا هیزم جمع کنند، آنان هیزم‌ها را اطراف خانه نهادند و در حالی که حضرات علی، فاطمه، حسن و حسین در خانه بودند، حضرت عمر با صدای بلند گفت: (تا حضرت علی بشنود) «به خدا قسم! خارج شوید و با جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بیعت کنید، وگرنه خانه را بر شما آتش می‌زنم»

• سپس نزد حضرت ابوبکر آمد و می‌ترسید که مبادا حضرت علی رضی الله عنه با شمشیرش خارج شود... (آن‌گاه به قنفذ گفت: «اگر خارج نشدند به خانه‌اش داخل شو، اگر امتناع ورزید، خانه‌اش را آتش بزن» قنفذ و همراهانش بدون اجازه داخل خانه شدند، حضرت علی شتافت تا شمشیرش را بردارد... اما آنان پیشی گرفتند و شمشیر حضرت علی را برداشتند و بر گردن آن حضرت ریسمان سیاهی انداختند» ● امان از این تهمت و افترا به اسد الله حیدر کرار ●

● **دوستان و اعضای محترم گروه:** حالا ببینید که (ع) "یعقوبی" از مورخان و علمای تراز اول دوستان شیعه (ح) کاملاً بر عکس نقل اولی و متناقض با دو روایت فوق اینچنین نقل میکند:

: ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾

• **« ابوبکر و عمر »** خبر یافتند که گروهی از مهاجران و انصار با علی بن ابی طالب در خانه‌ی حضرت فاطمه دختر پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم فراهم گشته‌اند، پس با گروهی آمدند و به خانه هجوم آوردند!! (و خرج علی ومعه السیف ، فلقیه عمر ، فصارعه عمر فصرعه، وکسر سیفه) « و حضرت علی بیرون آمد و شمشیری حمایل داشت ، پس عمر با او برخورد و با او گشتی گرفت و او را بر زمین زد و شمشیرش را شکست و به خانه ریختند » آن گاه حضرت فاطمه بیرون آمد و گفت: « به خدا قسم اگر بیرون نروید ، موهایم را برهنه می‌سازم! » ﴿١٠﴾ و نزد خدا ناله و زاری می‌نمایم « پس بیرون رفتند و هر که در خانه بود برفت و چند روزی بماندند » **متذکر میشوم که ما اهل سنت و جماعت از این عقیده مبری هستیم و آنرا کذب و افترای بر حضرت فاطمه (اسوه عفت و پاکدامنی) میدانیم**



• **و یا این روایت از خود سلیم بن قیس:** هنگامیکه حضرت علی رضی الله عنه از بیعت با ابوبکر سرباز زدند ، ابوبکر قنفذ را به سراغ ایشان فرستادند! قنفذ و یارانش به خانه حضرت علی رضی الله عنه حمله کرده و وارد آن شدند!! حضرت علی رضی الله عنه به محض دیدن آنها به سراغ شمشیر خود رفتند!! اما آنها ایشان را گرفته و طنابی به گردن ایشان انداختند و حضرت علی رضی الله عنه را به طرف در کشیدند!!!

• حضرت فاطمه رضی الله عنها خواستند جلوی آنها را بگیرند... اما قنفذ ملعون با شلاقی که در دست داشت ضربه محکمی به ایشان زد و حضرت علی رضی الله عنه را با کشیدن طنابی که به گردن ایشان انداخته بود نزد ابوبکر برد... ﴿ هذا بهتان العظیم ﴾

• **100 دوستان گرامی و فرهیخته و سبز اندیش : حالا میخام جمع بندی نهایی روانجام بدم 100**

• ﴿ تناقضات بسیار است ﴾ و مختصر آن این میشود : 1) همینطور که گفتیم ، در اثنای روایات متفاوت ﴿ ۴ نفر ضارب و قاتل ﴾ معرفی شده اند ، و " سناریو نویسان " نتونستن به اتحاد نظر در این مورد برسند 😊

• 2) در بعضی روایات ، ضربه به وسیله تازیانه است ، و در بعضی به وسیله فشار دادن در ، و در بعضی غلاف شمشیر ، و در بعضی لگد ، و در بعضی سیلی ، و بعضی هم میخ ۷۰ سانتی متری بر درب خانه !!!! 😊😊

• 3) در بعضی روایات حضرت عمرو در بعضی خالد بن ولید با غلاف شمشیر ضربه میزند ، و در بعضی روایت ، که حضرت فاطمه پشت در بود ، خالد بن ولید در را فشار داده و پهلوی حضرت فاطمه را میشکند ! و در بعضی روایات این (فشار دادن در) از قنفذ و حضرت عمر صادر میشود 😊😊

• (4) در بعضی روایات ، محل وقوع حادثه ، خانه حضرت عایشه رضی الله عنها است ، و در بعضی روایات خانه حضرت فاطمه رضی الله عنها ! در بعضی روایات خانه حضرت فاطمه همان خانه ایست که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به آنها داد ، و در بعضی روایات و ادعاها ، این خانه خانه ای دیگر و دور از مسجد النبی می باشد!

• (5) در بعضی روایات حضرت عمر با فیتله از مسجد به سوی خانه می آید ، و در بعضی روایات دیگر ، به وقت رسیدن از افرادش آتش و هیزم میطلبند! 😊😊

• (6) در بعضی روایات ، حضرت عمر غالب است ، و حضرت علی مغلوب ، و در بعضی روایت دیگر بر عکس این! 😊😊

• (7) در بعضی مصارعه (کشتی گرفتن و درگیری) بین حضرات علی و عمر است ، و در بعضی دیگر ، بین سلمه و یا خالد بن ولید با حضرت علی ، و یا با زبیر رضی الله عنهم اجمعین !!!

• (8) در بعضی روایات حضرت عمر میگوید : خانه را آتش میزنم ، و در بعضی میگوید ، خانه را ویران میکنم 😊😊

9 (در بعضی روایات ، حضرت عمر نزد حضرت ابوبکر است ، و در بعضی دیگر ، حضرت عمر سر (ع) لوکیشن (ع) حضور دارد !!! (ع)

10 (در بعضی روایات ، حضرت ابوبکر در مسجد است ، و در بعضی دیگر ، (ع) سر صحنه فیلمبرداری (ع) حاضر است (ع)

11 (در بعضی روایات ، حضرت ابوبکر به قنفذ دستور میدهد تا به سوی خانه حضرت علی برود ، و در بعضی دیگر ، حضرت عمر این دستور را میدهد (ع) (ع)

12 (در بعضی روایات ، برای حضرت عمر (ع) دیالوگی (ع) را طرح میکنند ، و در روایتی همان دیالوگ را برای حضرت ابوبکر مینویسند !!! (ع)

13 (در بعضی روایات بعد از وارد شدن به خانه بدون زدن حضرت فاطمه و با این حرف فاطمه که گفت: (ع) و الله لتخرجنّ او لا کشفنّ شعری (ع) معنی : یا بیرون بروید یا موهایم را برهنه میکنم! از این تهدید ترسیدن و خارج شدن و در بعضی روایات حضرت فاطمه را زدند و حضرت علی را کشان کشان بردند (ع) (ع)

14 (در بعضی روایات ، طناب در گردن حضرت علی انداختن ، و در بعضی هم خود حضرت علییی هیچ زور و جبری به مسجد آمد !

15 (در بعضی روایات ، به زور از حضرت علی بیعت گرفتند ، و در بعضی اصلاً بیعت نگرفتند و فقط مذاکره ای صورت گرفت !

16 (در بعضی روایات ، زبیر با شمشیر خارج میشود ، ولی پایش میلغزد ! و در بعضی روایات افراد مهاجم بعد از درگیری شمشیری را از دستش میگیرند و لغزیدنی در کار نیست (۱۰۰) (۱۰۰)

17 (در بعضی روایات ، حضرت عمر شمشیر را میگیرد ، و در بعضی دیگر ، دیگران شمشیر را میگیرند ...

●● نکته ریز و بسیار اساسی ●●● جالب است که در مورد همین (۱۰۰) یک شمشیر (۱۰۰) نیز ، چندین قول دارند : **بعضی** اوقات گفته اند شمشیر را به دیوار زدند و شکست (ضرب به الجدار) و **بعضی روایات** : به زمین زدند و شکست ! (ضرب به الأرض فکسره) **بعضی اقوال میگویند** : به سنگ سختی زدند و شکست (ضرب به حجراً فکسره) و در **بعضی** روایات بین دو سنگ شکست (کسروا سیفه بین حجرین) و **بعضی وقتاً ادعا میکنند** به صخره زدند و شکست (ضرب به صخره) و در **بعضی** فقط به شکستن آن اشاره شده (کسر سیف) در بعضی نیز ، بیوگرافی این شمشیر را نیمه کاره رها میکنند و فقط به گرفتن شمشیر از دست زبیر یا حضرت علی بسنده میکنند! (۱۰۰) (۱۰۰) **نکته‌ی مهم دیگره اینه که** ●● حتی در مورد (۱۰۰) شمشیر (۱۰۰) هم اتفاق و اتحاد نظر ندارن ، چه برسه به این که بخوان ، (۱۰۰) قاتل (۱۰۰) روایات یک نفر مشخص معرفی کنن !

18) در روایتی نامی از (ع) حاملگی (ح) نیست ، و در روایتی محسن سقط میشود !!! (ع) (ع)

19) در روایتی دیگر ، (ع) صحنه فیلمبرداری (ع) یک روز بعد از دفن پیامبر (ص) صلی الله علیه و آله وسلم است و در بعضی چند روز بعد از آن (ع) (ع)

20) در بعضی روایات ، طلحه نیز در خانه حضرت علی حضور دارد ، و در بعضی نامی از او نیست (ع) (ع)

21) در بعضی خانه اصلاً (ع) درب ندارد (ح) و در بعضی روایات دیگر ، (ع) دری بسیار محکم دارد (ع) که فقط با (ع) آتش زدن (ع) میتوان از آن گذشت !!!!

✓ خلاصه زیاد میبینیم که در (ع) کتب مختلف و معتبر تشیع (ع) این (ع) تناقضات (ح) بشدت یافت میشه ، از جمله همین کتاب آقای عبدالزهره که او آمده : (ع) وفی بعض الروایات : قال أبو بکر - وفی بعضها قال عمر - إنا والله الذي لا إله إلا هو نضرب عنقك ! او یا میگوید : قال أبو بکر أو عمر على اختلاف النصوص أما عبد الله فنعم ، أما أخا رسول الله فلا !!! همینطور میگوید : وفی بعض الروایات و فی بعض الروایات و فی الى آخر (ع) (ع)

◆◆ برادران و خواهران گرامی و عزیز شیعه ◆◆● اینهمه اختلاف که نقل شد، فقط و فقط و فقط فقط ﴿﴾ در مورد یک روز میباشد ﴿﴾ و مهمتر از همه اینکه بو همه این ﴿﴾ اختلافات و تناقضات ﴿﴾ بر گرفته از ﴿﴾ روایات صحیح کتب تشیع ﴿﴾ است، ﴿﴾ نه نظر علما ﴿﴾ که اگه بخوام ﴿﴾ نظر علمای شیعه ﴿﴾ رو در این مورد ارائه بدم، بقدری تناقضات زیاده که خودش میشه ﴿﴾ مثنوی هفتاد من کاغذ ﴿﴾

◆◆ برادران و خواهران عزیز و گرامی و فرهیخته و سبز اندیشمذهب شیعه ◆◆ بنده در ۳ جلسه، تمامی نکاتی که در این سناریو ﴿﴾ افسانه شهادت حضرت فاطمه رضی الله عنها ﴿﴾ او آمده بود رو " نکته به نکته " و " مو به مو " مورد ﴿﴾ کند و کاو ﴿﴾ قرار دادم !!!● اول از نظر # عقلانی ● دوم از نظر # تناقض با قرآن □□● سوم از نظر # تناقضات روایتی ﴿﴾ و از همه جهات ﴿﴾ ثابت شد ﴿﴾ که این سناریو افسانه شهادت، کذب، دروغ، غیر عقلانی، و غیر قابل هضم بوده و هستش لا لا ◆◆ پس خودتون ﴿﴾ حدیث مفصل بخوانید ﴿﴾ از این مجمل ◆◆

• خداوند متعال همه مارو به راه حقیقت و درست هدایت کنه 🌸 🌸 🌸 آمین یا رب العالمین 🌸

#پایان_کنفرانس